



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۰/۵/۲۲

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی رابطه میان تقویت مهارت های عاطفی اجتماعی در ایجاد نظم در مدارس

ابتدایی

مسعود تقوی نژاد

کارشناسی دینی و عربی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید بهشتی تهران

m.taghavi.n@gmail.com

چکیده

ادبیات علمی اخیر به طور گسترده ای از این ایده حمایت می کند که مهارت های اجتماعی-عاطفی برای رشد شخصیت، توسعه رفتار اجتماعی و رشد عاطفی دانش آموزان بسیار مهم هستند. مهارت های اجتماعی-عاطفی به عنوان یک سازه چند بعدی توصیف شده است که شامل توانایی های مدیریت عواطف، احساسات، مراقبت و توجه به دیگران و همچنین حل مشکلات و داشتن روابط مثبت با همسالان است. بررسی ها و فراتحلیل های مختلف اثربخشی اجرای آموزش مهارت های اجتماعی-عاطفی را در زمینه آموزش دانش آموزان مدارس ابتدایی ثابت کرده اند. مهارت های عاطفی اجتماعی می تواند به دانش آموزان کمک کند تا برای خود اهدافی تعیین کنند و روابط مثبتی با همسالان خود ایجاد کنند. آنها همچنین می توانند به مزایای اجتماعی درازمدت منجر شوند که فراتر از هر کودک است. روابط کیفی با همسالان، معلمان و والدین تفاوت زیادی برای دانش آموزان، به ویژه دانش آموزانی که سعی در ایجاد مهارت های اجتماعی قوی (از جمله نظم و انضباط) دارند، ایجاد می کند. نظم و انضباط نردبان موفقیت است. دانش آموزان باید یاد بگیرند که قوانین را رعایت کنند، دستورات را رعایت کنند و منظم رفتار نمایند. نظم و انضباط به نظم در زندگی اشاره دارد که برای موفقیت در زندگی لازم است. دانش آموزان باید نظم و انضباط را در بالاترین حد رعایت کنند تا دائماً سازنده باشند. مدرسه جایی است که دانش آموزان اولین طعم نظم را می چشند. نظم و انضباط با ایجاد محیطی بدون استرس برای تخصیص زمان به فعالیت های مختلف، بر فرآیند یادگیری تأثیر می گذارد، برنامه ریزی را از طریق رعایت و حفظ یک روال معمول روزانه بهبود می بخشد، شخصیت یادگیرنده را شکل می دهد و انگیزه آن ها را تقویت می کند. از این رو، بررسی تاثیرات مهارت های اجتماعی در ارتقای نظم در مدارس دارای اهمیت است. هدف از مقاله حاضر بررسی رابطه میان تقویت مهارت های عاطفی-اجتماعی و ایجاد نظم و انضباط در مدارس ابتدایی می باشد.

کلمات کلیدی: مهارت های اجتماعی، نظم، نظم در مدرسه، دانش آموزان، نظام آموزشی.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

مهارت‌های عاطفی-اجتماعی، رفتارهای هستند که فرد را قادر به تعامل مؤثر و اجتناب از پاسخ‌های نامطلوب نموده و بیانگر سلامت رفتاری و اجتماعی افراد هستند. این مهارت‌ها ریشه در بسترهای فرهنگی و اجتماعی داشته و شامل رفتارهایی نظیر پیش‌قدم شدن در برقراری روابط جدید، تقاضای کمک نمودن و پیشنهاد برای کمک به دیگران است. تبعات و پیامدهای برخورداری از سطوح نامناسب مهارت‌های اجتماعی منجر به فقدان سلامت رفتاری و اجتماعی مناسب در دوران بزرگسالی خواهد بود. اصغری پور (۱۳۸۰) مهارت اجتماعی را قاطعیت و تأثیرگذاری بر رفتار سایرین تعریف می‌کند. صیدی و همکاران (۱۳۹۴) این تعریف را تکمیل کرده و مهارت اجتماعی را تأثیرگذاری بدون آسیب رساندن به دیگران بیان کردند. این تعریف مشتمل بر ابراز خوشحالی، قدردانی از تعریف و تمجید دیگران و سایر رفتارهایی است که در تحکیم روابط میان‌فردی ضروری است. باتوجه به نقش اساسی مهارت‌های اجتماعی در روابط میان‌فردی و ویژگی‌های اکتسابی بودن آنها از یک‌سو و ارتباط مهارت‌های اجتماعی با پیشرفت و نقش آنها در کاهش مشکلات روحی، ذهنی و کج‌روی‌های اخلاقی از سوی دیگر، فرصت آموزش آنها کاملاً احساس می‌شود. اکتساب مهارت‌های اجتماعی، محور اصلی رشد اجتماعی، شکل‌گیری روابط اجتماعی، کیفیت تعامل‌های اجتماعی، سازگاری اجتماعی و حتی سلامت روان فرد به شمار می‌آید (Arum, ۲۰۲۱).

کسب مهارت‌های اجتماعی کودکان بخشی از اجتماعی شدن آنان است؛ در فرایند اجتماعی شدن، هنجارها، مهارت‌ها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتار فرد شکل می‌گیرد تا به نحو مناسب و مطلوبی نقش کنونی یا آتی خود را در جامعه ایفا کند. خانواده و نهادهای اجتماعی دیگر مانند مدرسه، مهم‌ترین عامل اجتماعی شدن به شمار می‌آیند که در قالب ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی بررسی می‌شوند (فرهنگی و همکاران، ۱۳۹۵). ما در دنیای پیچیده و دشواری زندگی می‌کنیم و لازم است برای موفقیت و پیشرفت در این دنیا و مقابله مؤثر با بسیاری از مشکلاتی که رودرروی ما قرار می‌گیرند، مجموعه‌ای از مهارت‌های اجتماعی را به دست آوریم. یکی از اهداف عمده آموزش و پرورش، نیل به سازگاری اجتماعی و برقراری رابطه مفید و مؤثر با دیگران و پذیرش مسئولیت اجتماعی است؛ بنابراین آموزش مهارت‌های اجتماعی که چنین کودکانی به آنها نیاز دارند، ضرورت دارد. یکی از ویژگی‌های مهارت‌های اجتماعی اکتسابی بودن آنهاست و در حال حاضر بسیاری از محققان اتفاق نظر دارند که بیشتر رفتارهای اجتماعی آموختنی هستند، زیرا کودکانی که در محیط‌های نامناسب بزرگ‌شده‌اند، از لحاظ اجتماعی رفتارهای نامطلوب دارند (Osher et al., ۲۰۱۰).

بیشتر روان‌شناسان بر این باورند که مهارت‌های اجتماعی مجموعه رفتارهای فراگرفته و قابل قبولی است که فرد را قادر می‌سازد با دیگران رابطه مؤثر داشته باشد و از عکس‌العمل‌های نامعقول اجتماعی خودداری کند. همکاری، مشارکت با دیگران، کمک‌کردن، آغازگر برقراری رابطه، تقاضای کمک‌کردن، تعریف و تمجید از دیگران و تشکر و قدردانی کردن مثال‌هایی از مهارت‌های اجتماعی به شمار می‌آیند (Gaustad, ۱۹۹۲).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

از این رو، در سالهای اخیر توجه زیادی به آموزش مهارت‌های اجتماعی شده است، زیرا بررسی‌های متعدد نشان می‌دهد نارسایی در مهارت‌های اجتماعی تأثیر منفی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان می‌گذارد، مشکلات یادگیری را تشدید می‌کند و غالباً به بروز مشکلات سازگاری منجر می‌شود (Welsh and Little, ۲۰۱۸).

زمانی که از مهارت‌های اجتماعی یاد می‌شود، رفتارهای ساده در موقعیت‌ها و عرصه‌های گوناگون اجتماعی مورد نظر است، مانند ریختن زباله در ظرف مخصوص، تمیز کردن زمین بعد از شکسته شدن چیزی، شیوه درست به کار بردن وسایل غذاخوری و رعایت آداب غذا خوردن، رعایت آداب لباس پوشیدن در موقعیت‌های گوناگون، آویختن لباس در جای مخصوص، وارد و خارج شدن از کلاس به شیوه آرام و بدون ایجاد سروصدا، صف بستن و رعایت نوبت، رد کردن خواهش دیگران به شکل مؤدبانه، برخورد سازنده با انتقاد دیگران، استفاده از کلمات مؤدبانه‌ای مانند لطفاً یا متشکرم، کمک کردن به دیگران و تقاضای کمک از دیگران، سلام دادن و معرفی کردن خود به بزرگسالان و همسالان، قبول شکست در بازی‌های رقابتی و تبریک گفتن به فرد برنده، عذرخواهی کردن در مواقع ضروری و همکاری با دوستان در انجام کارها، نظم و انضباط تعاریف متعددی دارد. کنترل رفتار فراگیرندگان و تسلط بر عوامل رفتاری آنان را انضباط می‌نامند، برخی معتقدند؛ نظم و انضباط شامل هر نوع سازماندهی در محیط مدرسه و کلاس است، به نحوی که سبب افزایش یادگیری شود. اصغری پور (۱۳۸۰) می‌گوید «انضباط عبارت است از: اعمال قواعد و مقرراتی که یادگیری را تسهیل می‌کند و اختلال در کلاس را به حداقل کاهش می‌دهد».

برقراری نظم در مدرسه

از بین بردن یا کاهش عوامل بی‌نظمی، در درجه اول مستلزم همکاری و هماهنگی میان خانه و مدرسه است و روشن است که معلمان و اولیای مدرسه به تنهایی و بدون همکاری والدین کاری از پیش نخواهند برد؛ بنابراین، در نظام آموزش و پرورش برای برقراری ارتباط میان خانه و مدرسه نهاد مستقلی به نام انجمن اولیاء و مربیان به وجود آمده است که این نهاد در هر مدرسه‌ای برای آگاهی والدین از مراحل رشد فرزندان خود در سنین متفاوت و آگاه کردن آنها از این مسائل فعالیت می‌کنند: توجه والدین به وضعیت جسمی و روحی فرزندان خود؛ ایجاد شرایط، موقعیت و امکانات مورد نیاز برای پیشرفت تحصیلی فرزندان خود؛ تشویق مادی و معنوی و تقویت اعتماد به نفس آنها؛ پذیرش وضعیت خاص فرزندان خود و مقایسه نکردن آنها با افراد دیگر؛ تبعیض قائل نشدن بین آنها؛ تهیه میز و صندلی، اتاق مطالعه، وسایل مورد نیاز، رعایت سکوت هنگام مطالعه؛ کمک به آنها در تهیه و اجرای برنامه مطالعه؛ تشویق آنها به روش و تفریحات سالم و تنظیم خواب و استراحت آنها؛ داشتن برنامه تغذیه مناسب، کمک به آنها در انتخاب دوستان مناسب؛ آگاه کردن فرزندان از وظایف خود در مدرسه و خانه، رعایت حقوق معلمان و کمک به دوستان و هم‌کلاسان خود؛ و در نهایت تشویق آنها به رعایت نظم و انضباط در



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مدرسه و کلاس درس، اغلب، والدین علاقه‌مندند که بدانند در طول سال تحصیلی، در خصوص امور تحصیلی و حتی تربیتی فرزندان خود، چه وظیفه‌ای به عهده‌دارند و چه کمک‌هایی سبب پیشرفت تحصیلی فرزندان می‌شود. آگاهی از این مسائل، مستلزم ارتباط مستمر با مدرسه است (Gautstad, ۱۹۹۲).

انضباط بدان دسته از اعمال معلم اطلاق می‌شود که مانع سرزدن رفتارهایی از دانش‌آموز است که فعالیت کلاسی را مختل یا تهدید به اخلال می‌کند. اصغری پور (۱۳۸۰) بی‌انضباطی را این‌گونه تعریف می‌کند: هر نوع رفتاری که از ارزش‌های پذیرفته‌شده جامعه به دور است (با توجه فرهنگ) و دارای تکرار شدت و مداومت است و در زمان‌ها و مکان‌های متعدد اتفاق می‌افتد و همچنین رفتاری است که با درماندگی و کاهش کارایی فرد همراه است. ایزابل کلاک بی‌انضباطی را رفتاری می‌داند که از طرف تعدادی از دانش‌آموزان انجام می‌شود و مشکلاتی را برای فرد معلم به وجود می‌آورد و معلم را در راه رسیدن به هدف که ارتقای تحصیلی دانش‌آموزان است با مشکل روبرو می‌کند و مانع از پیشرفت کار تحصیلی می‌شود و رفتار آنان نامعقول و نامنظم است. باوجود تعاریف بالا بی‌انضباطی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: انجام‌دادن هر عمل یا رفتار پذیرفته‌نشده و نامعقول توسط دانش‌آموز که سازماندهی مدرسه و کلاس را مختل یا تهدید به اخلال می‌کند و باعث کاهش کارایی معلم و دانش‌آموزان شده و معلم را در رسیدن به هدف اصلی خود بازمی‌دارد؛ بنابراین شناخت و درمان کودکان با نارسایی در مهارت‌های اجتماعی، یکی از وظایف مهم روان‌شناسان، مشاوران و متخصصان تعلیم و تربیت به شمار می‌آید تا با آموزش مهارت‌های اجتماعی به آنها در نظم مدارس ابتدایی نقش داشته باشند (Sheldon and Epstein, ۲۰۰۲).

می‌توان در مدارس با کمک جامعه‌شناسان و روان‌شناسان نسبت به آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی برای دانش‌آموزان اقدام کرد که شامل افزایش مشارکت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، تبلیغ و اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌ها، درونی کردن فرهنگ شهروندی آموزش و نمایش روابط دوستانه در محیط‌های شهری و برنامه‌ریزی مدیریتی از راهکارهای آزموده شده برای کاهش وندالیسم هستند (Gagnon, et al., ۲۰۲۱).

دشواری کنترل دانش‌آموزان باتوجه‌به ویژگی‌های سنی آنها روزه‌روز روبه افزایش است. بسیاری از معلمان و مدیران از برخورد با مسائل انضباطی دانش‌آموزان احساس ناتوانی می‌کنند و به طور معمول ممکن است برخوردهای نامناسبی با این رفتارها داشته باشند. نظم در لغت به معنای آراستن، برپاداشتن، ترتیب‌دادن کار و...؛ و در اصطلاح نظامی به معنای پیروی کامل از دستورهای نظامی است. انضباط نیز به معنای نظم و انتظام، تربیت و درستی، عدم هرج و مرج، سامان‌پذیری و آراستگی است. می‌دانیم آنچه امروز حرف اول را در مدرسه می‌زند انضباط است، انضباط اخلاقی و رفتاری دانش‌آموزان می‌تواند روی آموزش اثرگذار باشد؛ بنابراین پرورش همراه آموزش مهم جلوه می‌کند. دانش‌آموزان با انضباط می‌توانند مسئولیت‌های مهم مدرسه را به عهده بگیرند و در آینده نیز جامعه به‌خوبی پذیرای این افراد است (Allman and Slate, ۲۰۱۱).

حال مسئله این است که اگر دانش‌آموز بی‌انضباط باشد چه کارهایی باید انجام بدهیم؟ مسلماً چنین افرادی دارای



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مشکلاتی هستند که این مشکلات می‌تواند از مدرسه و یا عمدتاً از بیرون مدرسه باشد، به‌هرحال کمک به چنین دانش‌آموزانی وظیفه معلمان است تا بتوانند دانش‌آموزانی سالم و بانشاط تحویل جامعه دهند. هدف از بررسی این موضوع، چگونگی ایجاد مدرسه‌ای شاد با دانش‌آموزان بانضباط و منظم که انسان‌های پرورش‌یافته تربیت شوند و متفکر و متعهد باشند که فقط هدف آنها کسب نمره بالاتر نیست، بلکه هدف، آموزش و پرورش است. نظم و انضباط حاکم بر مدرسه باعث می‌شود دانش‌آموزان با برنامه‌ریزی به کارهای خود برسند و این نظم و انضباط نه تنها داخل مدرسه، بلکه کارهای خارج از مدرسه را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و باعث می‌شود دانش‌آموزانی باایمان، مشتاق به درس و مدرسه و در آینده توانمند روی کار بیایند. اگر هر شخصی در هر مرحله زندگی که هست نظم و انضباط داشته باشد موفقیت در انتظار اوست (Allman and Slate, ۲۰۱۱).

می‌دانیم که اگر به آموزش و پرورش به دید واقعی نگاه کنیم و به آن اهمیت بدهیم باعث پیشرفت جامعه می‌شود و شاید در کشورهای توسعه‌یافته، آموزش و پرورش آنها دلیل پیشرفت آنها بوده است. برنامه‌ریزی مناسب و جذاب بودن مدارس، بودن نظم و انضباط در مدارس، جهت‌دار بودن آموزش و پرورش، تربیت افرادی است که خوداتکا و مستقل باشند، دلیل هر فرمان و دستوری را بدانند و چنین دیدی از انضباط، ظرفیت ذهنی افراد را افزایش می‌دهد و او را قادر می‌سازد تا مفاهیم جهان اجتماعی و طبیعی را درک کند (Sheldon and Epstein, ۲۰۰۲).

علل بی‌نظمی دانش‌آموزان در کلاس درس و شیوه‌های برخورد با آن

بسیاری از معلمان و حتی مدیران مدارس از دانش‌آموزانی که به اعتقاد آنها شلوغ هستند و رفتارهای ناخواسته و نامناسبی از خود بروز می‌دهند و به این ترتیب نظم و انضباط مدرسه و کلاس درس را دچار اختلال می‌کنند گله‌دارند. هرکدام از این افراد واکنش‌های متفاوتی در مقابل این نوع دانش‌آموزان از خود نشان می‌دهند و تصمیم‌گیری‌های آنان در این زمینه هم متفاوت است. معمول‌ترین و آشکارترین این تصمیم‌گیری‌ها برای کاهش یا از بین رفتن بی‌نظمی، گرفتن تعهد کتبی از دانش‌آموزان و در صورت تکرار از والدین آنان، تهدید به تنبیه و حتی عملی کردن آن و در نهایت اخراج موقتی از کلاس و مدرسه است. از این رو، نگارش این مقاله و مطالعه آن، به معلمان و مدیران کمک می‌کند تا تصمیمات آگاهانه‌تری بگیرند (Gaustad, ۱۹۹۲).

برای پاسخ‌دادن به این سؤال‌ها به‌عبارت‌دیگر، شناسایی علل و عوامل بی‌نظمی دانش‌آموزان در مجموعه عامل‌های متعدد، باید زیرمجموعه‌ای از عوامل کشف شوند تا با ارائه راهکارهای کاربردی برای از بین بردن یا کاهش آنها، تغییرات مناسب و مثبت در کیفیت نظم و انضباط مدرسه ایجاد شود. در این ارتباط، کارگاهی با حضور عده‌ای از معلمان باتجربه در مراکز تربیت‌معلم یاسوج برگزار شد. حاصل چند جلسه بارش مغزی در این کارگاه برای پاسخ به سال‌های یادشده، بررسی شد. سپس با اندکی دخل و تصرف و تغییر در دیدگاه‌های افراد، این مقاله برای استفاده معلمان و مدیران مدارس و متصدیان تعلیم و تربیت تهیه و تنظیم شد (صیدی و همکاران، ۱۳۹۴). علل و عوامل بی‌نظمی



دانش‌آموزان را می‌توان به پنج دسته تقسیم کرد:

الف) علل مربوط به دانش‌آموزان (ویژگی‌های فردی آنان)؛

ب) عوامل مربوط به معلم؛

ج) عوامل مربوط به فضای مدرسه، کلاس درس و کارکنان ستادی مدرسه؛

د) ویژگی‌های خانوادگی دانش‌آموزان؛

و) عوامل اجتماعی

علل مربوط به دانش‌آموزان

گاهی علل بی‌نظمی در کلاس ناشی از خود دانش‌آموزان است. برخی از این علل عبارت است از:

- ناراحتی‌های جسمی، روحی و روانی؛
- نداشتن علاوه و انگیزه؛
- سردرگم بودن و بی‌اعتنایی به انتظارات معلم و قوانین و مقررات مدرسه و کلاس درس؛
- نداشتن برنامه مشخص مطالعه؛
- کم‌خوابی و خستگی مفرط؛
- انجام‌دادن تکالیف خود؛
- تغذیه نامناسب؛
- ناامیدی به آینده؛
- استقلال‌طلبی و مقابله با اقتدار معلم (صفوی، ۱۳۸۳)

از بین بردن یا کاهش عوامل بی‌نظمی، در درجه اول مستلزم همکاری و هماهنگی میان خانه و مدرسه است و روشن است که معلمان و اولیای مدرسه به تنهایی و بدون همکاری والدین کاری از پیش نخواهند برد؛ بنابراین، در نظام آموزش و پرورش برای برقراری ارتباط میان خانه و مدرسه نهاد مستقلی به نام انجمن اولیاء و مربیان به وجود آمده است که این نهاد در هر مدرسه‌ای برای آگاهی والدین از مراحل رشد فرزندان خود در سنین متفاوت و آگاه کردن آنها از این مسائل فعالیت می‌کنند: توجه والدین به وضعیت جسمی و روحی فرزندان خود؛ ایجاد شرایط، موقعیت و امکانات مورد نیاز برای پیشرفت تحصیلی فرزندان خود؛ تشویق مادی و معنوی و تقویت اعتماد به نفس آنها؛ پذیرش وضعیت خاص فرزندان خود و مقایسه نکردن آنها با افراد دیگر؛ تبعیض قائل نشدن بین آنها؛ تهیه میز و صندلی، اتاق مطالعه، وسایل مورد نیاز، رعایت سکوت هنگام مطالعه؛ کمک به آنها در تهیه و اجرای برنامه مطالعه؛ تشویق آنها به روش و تفریحات سالم و تنظیم خواب و استراحت آنها؛ داشتن برنامه تغذیه



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مناسب، کمک به آنها در انتخاب دوستان مناسب؛ آگاه کردن فرزندان از وظایف خود در مدرسه و خانه، رعایت حقوق معلمان و کمک به دوستان و هم‌کلاسان خود؛ و در نهایت تشویق آنها به رعایت نظم و انضباط در مدرسه و کلاس درس، اغلب، والدین علاقه‌مندند که بدانند در طول سال تحصیلی، در خصوص امور تحصیلی و حتی تربیتی فرزندان خود، چه وظیفه‌ای به عهده‌دارند و چه کمک‌هایی سبب پیشرفت تحصیلی فرزندان می‌شود. آگاهی از این مسائل، مستلزم ارتباط مستمر با مدرسه است (Tamagni and Wilson, ۲۰۲۰).

علل مربوط به معلم

مسلماً برخی دانش‌آموزان دارای مشکلاتی هستند که این مشکلات می‌تواند از مدرسه و یا عمدتاً از بیرون مدرسه باشد، به‌هرحال کمک به چنین دانش‌آموزانی وظیفه معلمان است تا بتوانند دانش‌آموزانی سالم و بانشاط تحویل جامعه دهند. هدف از بررسی این موضوع، چگونگی ایجاد مدرسه‌ای شاد با دانش‌آموزان بانضباط و منظم که انسان‌های پرورش‌یافته تربیت شوند و متفکر و متعهد باشند که فقط هدف آنها کسب نمره بالاتر نیست، بلکه هدف، آموزش و پرورش است. نظم و انضباط حاکم بر مدرسه باعث می‌شود دانش‌آموزان با برنامه‌ریزی به کارهای خود برسند و این نظم و انضباط نه تنها داخل مدرسه، بلکه کارهای خارج از مدرسه را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و باعث می‌شود دانش‌آموزانی باایمان، مشتاق به درس و مدرسه و در آینده توانمند روی کار بیایند. اگر هر شخصی در هر مرحله زندگی که هست نظم و انضباط داشته باشد موفقیت در انتظار اوست (Allman and Slate, ۲۰۱۱).

روش‌های تدریس و آموزش‌های معلم باید با توانایی‌ها، استعداد و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان متناسب باشد و از به‌کارگیری روش‌های یکنواخت، خسته‌کننده و بی‌حاصل احتراز کند. دانش‌آموزان معمولاً دارای مسائل و مشکلات جسمی، روحی، اجتماعی و عاطفی مختلفی هستند که بی‌توجهی به آنها موجب بروز آزرده‌گی و احتمال بروز مسائل و مشکلات انضباطی در آنان می‌شود. همانطوری که انتظارات بالای معلم از دانش‌آموزان موجب ناکامی آنها می‌شود، انتظارات پایین معلم نیز موجبات ملالت، بی‌زاری و بی‌حوصلگی آنان از درس، معلم و مدرسه را فراهم می‌کند. معمولاً بی‌توجهی به درس معلم، برهم زدن کلاس، بازیگوشی دانش‌آموز، دفاعی است که او در مقابل شکست، تحقیر و یا به‌منظور اظهار وجود، ابراز می‌دارد؛ بنابراین باید به آنچه دانش‌آموزان احساس یا فکر می‌کنند، خوب گوش فرادادن در توان خواسته‌ای معقول و منطقی آنها را برآورده کرد (Gagnon, et al., ۲۰۲۱).

۱ فقدان آمادگی جسمی، روحی و روانی معلم؛

۲ نامناسب بودن وضعیت ظاهری معلم؛



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- ۳ ناآگاهی از روش‌های جدید تدریس و استفاده مکرر از روش‌های سنتی؛
- ۴ بی‌علاقه بودن به شغل معلمی؛
- ۵ ناتوانی در برقراری ارتباط مطلوب با دانش‌آموزان؛
- ۶ رعایت نکردن عدالت آموزشی (تبعیض بین دانش‌آموزان)؛
- ۷ نامناسب و نارسانا بودن صدای معلم؛
- ۸ نداشتن طرح درس؛
- ۹ بی‌توجهی به نیازهای دانش‌آموزان؛
- ۱۰ فعال بودن معلم و منفعل بودن دانش‌آموزان؛
- ۱۱ استفاده نامناسب از تشویق و تنبیه؛
- ۱۲ بی‌حوصلگی و نداشتن صبر و بردباری و سعه صدر؛
- ۱۳ بی‌نظمی معلم (نظیر دیر آمدن به کلاس و ترک زودهنگام آن و...)
- ۱۴ تسلط نداشتن به موضوع مورد یادگیری؛
- ۱۵ نداشتن روحیه انتقادپذیری و خودداری از پاسخ‌گویی به سؤال‌های دانش‌آموزان (صفوی، ۱۳۸۳)

راهکارهایی برای جلوگیری از بی‌نظمی در مدرسه

راهکارهایی برای جلوگیری از وقوع مسائل و مشکلات انضباطی در مدارس برنامه مناسبی برای جلوگیری از وقوع بی‌انضباطی‌های دانش‌آموزان و اطلاع از رفتار آنها طراحی شود مانند: شرکت دادن دانش‌آموزان در برنامه‌های انضباطی و روشن کردن قوانین، مقررات و انتظارات مدرسه از آنها (Tamagni and Wilson, ۲۰۲۰).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

روش‌های تدریس و آموزش‌های معلم باید با توانایی‌ها، استعداد و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان متناسب باشد و از به‌کارگیری روش‌های یکنواخت، خسته‌کننده و بی‌حاصل احتراز کند. دانش‌آموزان معمولاً دارای مسائل و مشکلات جسمی، روحی، اجتماعی و عاطفی مختلفی هستند که بی‌توجهی به آنها موجب بروز آزرده‌گی و احتمال بروز مسائل و مشکلات انضباطی در آنان می‌شود. همانطوری که انتظارات بالای معلم از دانش‌آموزان موجب ناکامی آنها می‌شود، انتظارات پایین معلم نیز موجبات ملالت، بی‌زاری و بی‌حوصلگی آنان از درس، معلم و مدرسه را فراهم می‌کند. معمولاً بی‌توجهی به درس معلم، برهم زدن کلاس، بازیگوشی دانش‌آموز، دفاعی است که او در مقابل شکست، تحقیر و یا به‌منظور اظهار وجود، ابراز می‌دارد؛ بنابراین باید به آنچه دانش‌آموزان احساس یا فکر می‌کنند، خوب گوش فرادادن در توان خواسته‌ای معقول و منطقی آنها را برآورده کرد (Gagnon, et al., ۲۰۲۱).

هنگامی که دانش‌آموزان احساس ترس، اضطراب، خشم و غیره می‌کنند، بیشتر مرتکب سوء رفتار و بی‌انضباطی می‌شوند. معلمانی که دانش‌آموزان خود را درک می‌کنند و به حرف‌های آنها توجه دارند، خیلی راحت‌تر و بهتر می‌توانند با شاگردان رابطه عاطفی و دوستانه برقرار کنند که در نتیجه از بسیاری از مشکلات، شیظنت‌ها و بی‌انضباطی‌های آنها جلوگیری خواهد شد. استفاده از روش‌های تدریس یکنواخت، موجب بی‌توجهی دانش‌آموزان به درس، به‌هم خوردن موقعیت یادگیری و ایجاد شلوغی و بی‌نظمی در کلاس خواهد شد (González et al., ۲۰۱۹).

برای اوقات فراغت دانش‌آموزان در مدرسه و کلاس درس باید برنامه‌ریزی کرد تا از بروز مسائل و مشکلات انضباطی آنها جلوگیری شود. در تهیه و تنظیم قوانین و مقررات انضباطی، مسئولان مدرسه باید از شاگردان خود به‌عنوان یک‌طرفه مشورت استفاده کنند؛ زیرا طرح و تدوین مقررات انضباطی با شرکت دانش‌آموزان بسیار بهتر از مقررات تحمیلی و یک‌جانبه خواهد بود و همکاری و مساعدت دانش‌آموزان را بیشتر جلب خواهد کرد. هنگامی که قوانین و مقررات انضباطی خاصی در مدرسه برقرار می‌شود، باید تمامی شاگردان را ملزم به اطاعت از آن کرد. در صورت رعایت‌نکردن یا نقض قوانین نه فقط نباید هیچ‌گونه عذر و بهانه‌ای را از فرد خاطی پذیرفت، بلکه باید او را وادار کرد تا نتایج و پیامدهای مربوط به آن را نیز تحمل کند. زیرا قبول عذر و بهانه‌های دانش‌آموزان، دروغ‌پردازی، عدم احساس مسئولیت، زیر پا گذاشتن قوانین و بسیاری دیگر از بی‌انضباطی‌ها را اشاعه می‌دهد. در برخورد با دانش‌آموزان باید از تقویت‌کننده‌هایی مانند نوازش، دست‌دادن با آنها، دست به نشانه آنها زدن، خواندن نام کوچک آنان و غیره استفاده شود؛ زیرا رفتار و برخورد صمیمانه با دانش‌آموزان تا حدود بسیار زیادی از بی‌انضباطی و شرارت آنها می‌کاهد. البته باید احتیاط کرد تا جنبه سوءتفاهم و سوءاستفاده پیش نیاید (Allman and Slate, ۲۰۱۱).

از دخالت زیاد در زندگی خصوصی و شخصی دانش‌آموزان که در حیطه اختیار متصدیان آموزش و پرورش نیست، باید خودداری شود؛ زیرا این کار موجب تشنج، عصبانیت و حساسیت‌هایی در آنها می‌شود. برقراری انضباط از راه تنبیه، پیامدهایی نظیر مقاومت، بی‌اعتنایی، یاغیگری، عصیان، منفی‌بافی، شورش، تملق‌گویی، لجبازی، کناره‌گیری و فرار



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

از زندگی دانش‌آموز را به دنبال خواهد داشت. مقررات و قوانین انضباطی تنظیم‌شده باید با توانایی، رشد، مشخصات و سن دانش‌آموزان، تناسب داشته باشد. مقرراتی که در مدرسه وضع می‌شود، باید برای تمامی دانش‌آموزان و مسئولان و در هر زمان مورداحترام باشد، در غیر این صورت دانش‌آموزان نسبت به مدرسه و مقررات آن، بدبین و بی‌اعتماد می‌شوند. تردیدی نیست که دانش‌آموزان باید برای رفتار پسندیده و پیشرفت تحصیلی خود مورد تشویق قرار گیرند و رفتار ناپسند آنها هم به نحوی، ضعیف و خاموش شود (González et al., ۲۰۱۹).

متأسفانه، دیده‌شده است از آنجاکه دانش‌آموزان خوب و منضبط برای معلم مشکلی ایجاد نمی‌کنند، معمولاً مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار می‌گیرند. برعکس دانش‌آموزان ناسازگار و بی‌انضباط، چه از طریق مثبت و چه از طریق منفی بیشتر موردتوجه معلم و مسئولان مدرسه قرار می‌گیرند. این کار باعث می‌شود دانش‌آموزان خوب و باانضباط نیز به تدریج دلسرد و بی‌تفاوت شوند و ممکن است که دست به بی‌انضباطی و کارهای نامعقول بزنند. تشویق و تنبیه معلم و مسئولان مدرسه باید به‌موقع و با رفتار دانش‌آموزان متناسب باشد تا مفید و مؤثر واقع شود. مسئولان مدارس و معلمان باید با دادن حق تصمیم‌گیری و اظهارنظر به دانش‌آموزان، روح اعتمادبه‌نفس، خوش‌بینی، استقلال‌طلبی و مسئولیت‌پذیری را در آنها به وجود آورند (Allman and Slate, ۲۰۱۱).

علل مربوط به روابط اجتماعی دانش‌آموزان

عوامل اجتماعی اغلب به طور مستقیم تأثیر شگرفی در رفتارهای دانش‌آموزان می‌گذارد. از بین عوامل اجتماعی مؤثر در رفتارهای دانش‌آموزان به موارد زیر اشاره می‌کنیم:

- طبقه اجتماعی: شامل مواردی مانند میزان سواد والدین، فرهنگ حاکم بر خانواده و ... که هر کدام به‌نوعی تأثیر می‌گذارد.
 - گروه همسالان: مهم‌ترین الگوی کودکان پس از والدین که تأثیر زیادی در رفتار کودکان می‌گذارد.
- عوامل اجتماعی دیگر: از قبیل تلویزیون که به‌عنوان الگوی رفتاری از عوامل مهم تعیین‌کننده در رفتار است. (اصغری پور، ۱۳۸۰)

مهارت‌های اجتماعی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اجتماعی شدن از ضرورت‌های زندگی انسان است؛ چون انسان موجودی فطرتاً اجتماعی است و در قالب ساختارهای اجتماعی شکل خواهد گرفت. گذر آنان از زندگی غارنشینی به‌سوی شهرنشینی ضرورت اجتماعی شدن را بیش‌ازپیش نمودار می‌سازد. روابط اجتماعی جنبه اصلی زندگی افراد است، تعاملات اجتماعی بسته به ایجاد پیامدهای مثبت و منفی می‌تواند منجر به احساس شاد زیستن و لذت گردد. مهارت‌های اجتماعی برای کسب دامنه‌ای از هدف‌های اجتماعی، هیجانی و یا بین‌فردی موردنیاز هستند (Welsh and Little, ۲۰۱۸).

مهارت اجتماعی استعدادی است که باعث بروز رفتارهایی می‌شود که به‌صورت مثبت یا منفی تقویت می‌شوند و نه رفتارهایی که مورد تنبیه واقع می‌شوند یا توسط دیگران خاموش می‌شوند، این مهارت‌ها می‌توانند در روابط آدمی با دیگران نتایج مثبت و موفقیت‌آمیزی به وجود آورند (فرهنگی و عبدالعلیان، ۱۳۹۵). مهارت‌های اجتماعی شامل؛ مهارت در تشخیص خصوصیات گروه، مهارت در ارتباط‌گیری با گروه، مهارت گوش‌دادن، مهارت همدردی، مهارت در ارتباط غیرکلامی با یکدیگر و جوه مشترک دارند. در آموزش این مهارت‌ها باید بر توانایی‌های فرد برای توجه به زمینه‌های اجتماعی تأکید کنیم، یعنی این توانایی‌ها را در فرد رشد دهیم که نشانه‌هایی را که مبین حالت و وضعیت افراد گروه است به‌درستی تشخیص دهد و هر یک را در جای خود قرار دهد (Arum, ۲۰۲۱).

آموزش مهارت‌های زندگی به‌ویژه مهارت‌های اجتماعی و حل مسئله به افراد می‌تواند در توانمندسازی افراد جامعه به‌ویژه نوجوانان در برخورد با مشکلات روزمره زندگی مؤثر واقع شد و این خود بستری مناسب برای ارتقای آگاهی افراد و افزایش امید به زندگی و پیشرفت در تمامی مقاطع زندگی خواهد بود. هدف آموزش مهارت‌های اجتماعی به دانش‌آموزان، کفایت شخصی، اجتماعی و شغلی و سازگاری بازندگی اجتماعی است. یکی از اهداف آموزش و پرورش کمک به جامعه‌پذیری دانش‌آموزان و هدف از درس‌های مهارت‌های اجتماعی - اقتصادی این است که افراد علاوه بر کسب دانش و مهارت تخصصی خود از نظر اجتماعی نیز در وضعیت مطلوب قرار گیرند و رفتار خود را با توجه به آن شکل دهند (Gaustad, ۱۹۹۲). به‌زعم همه تلاش‌های انجام‌شده در نظام آموزش و پرورش و تغییرات و اصلاحات انجام‌شده به دلایل متعدد اعم از درون‌سازمانی و برون‌سازمانی، این سازمان به موفقیت موردنظر دست نیافته است و نظام آموزش و پرورش از کارایی و اثربخشی مطلوب در صحنه تعلیم و تربیت فردی و اجتماعی برخوردار نیست. به‌علاوه بعضی از مشکلات آموزش و پرورش در خلال چهار دهه گذشته همچنان تداوم داشته و حل‌نشده باقیمانده‌اند آموزش کتاب محور، نظام مدرک‌گرا، کم‌توجهی به تفاوت‌های فردی، کم‌توجهی به نیازها و خواسته‌های فراگیران و جامعه اسلامی، محتوای آموزشی نامناسب و نظام اداری متمرکز از این جمله‌اند (Osher et al., ۲۰۱۰).

اگر بتوانیم کودکانی با انضباط فردی، مسئول و دارای مهارت‌های اجتماعی پرورش دهیم بسیاری از مشکلات ما



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

رفع خواهند شد. آموزش را باید از سنین پایین آغاز کرد تا به نتیجه رسید. در جامعه ما آموزش خاصی برای فرزندپروری وجود ندارد، درحالی که فرزندپروری در دنیای امروز به مهارت‌های فراوانی نیازمند است که شاید کسی از این دست یاری‌رسان باشد. یکی از عواملی که نشان می‌دهد نظام آموزش و پرورش ما در آموزش مهارت‌های اجتماعی به دانش‌آموزان دچار نقص و کاستی است وجود پدیده وندالیسم است. وجود وندالیسم در مدارس را نمی‌توان انکار کرد؛ چراکه بسیاری از رفتارها و کارهای مسئولین مدارس به نوعی برای پیشگیری از این نوع رفتارهاست و خود این‌گونه عمل کردن مدیران وجود وندالیسم را تأیید می‌کند. برای پیشگیری از این آسیب اجتماعی در مدارس بیشتر از روش‌های مکانیکی استفاده می‌شود؛ مانند ایجاد موانع فیزیکی محکم کردن اشیاء و اموال و غیر قابل تخریب کردن آنها (فرهنگی و همکاران، ۱۳۹۴).

همچنین مدیران و معلمان به نصیحت و سرزنش دانش‌آموزان می‌پردازند که این‌گونه کارها (تخریب اموال و اشیاء) زشت است و نباید انجام شود، اما ظاهراً تا امروز استفاده از این کارها نتوانسته مشکل وندالیسم در مدارس را برطرف کند، علت این‌که تا امروز مسئولان نتوانسته‌اند مشکل وندالیسم را برطرف کنند استفاده از روش‌های مکانیکی است. برای حل این‌گونه مشکلات می‌توان از روش‌های دیگری که سایر کشورها با این پدیده روبرو بودند استفاده کرد. به دلیل روانی اجتماعی بودن رفتار وندالیسم بهتر است برای مقابله و پیشگیری از آن از روش‌هایی که توسط روان‌شناسان و جامعه‌شناسان ارائه می‌شود هم استفاده گردد (Sheldon and Epstein, ۲۰۰۲).

می‌توان در مدارس با کمک جامعه‌شناسان و روان‌شناسان نسبت به آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی برای دانش‌آموزان اقدام کرد که شامل افزایش مشارکت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، تبلیغ و اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌ها، درونی کردن فرهنگ شهروندی آموزش و نمایش روابط دوستانه در محیط‌های شهری و برنامه‌ریزی مدیریتی از راهکارهای آزموده شده برای کاهش وندالیسم هستند (Gagnon, et al., ۲۰۲۱).

نتیجه‌گیری

مهارت‌های اجتماعی عاطفی مهارت‌هایی هستند که ما هر روز برای تعامل و برقراری ارتباط با دیگران استفاده می‌کنیم. آنها شامل ارتباطات کلامی و غیرکلامی مانند گفتار، ژست، حالت چهره و زبان بدن هستند. ما باید فرصت‌هایی را برای دانش‌آموزان فراهم کنیم تا مهارت‌های اجتماعی خود را یاد بگیرند و تمرین کنند. یک روش مؤثر تمرین از طریق ایفای نقش است. معلمان می‌توانند سناریوهای ساختاریافته‌ای را ارائه دهند که در آن دانش‌آموزان بتوانند عمل کنند و بازخورد فوری ارائه دهند. مجموعه مناسب مهارت‌های اجتماعی باعث می‌شود کودک دوست‌یابی کند، با هم‌کلاسی‌های خود به اشتراک بگذارد و در محیط‌های اجتماعی همکاری کند. مهارت‌های اجتماعی به‌خوبی توسعه‌یافته همچنین منجر به بهبود توانایی‌های شناختی و سلامت روان بهتر می‌شود. راه‌های زیادی برای تشویق رشد مهارت‌های اجتماعی کودک وجود دارد. دف از انضباط هر دانش‌آموز کمک به دانش‌آموز در توسعه و حفظ خویشتن‌داری، احترام به دیگران و رفتار قابل‌قبول اجتماعی است. تمام خط‌مشی‌ها و رویه‌های مربوط به نظم و انضباط دانش‌آموزی باید برای دستیابی به این اهداف کلی طراحی شود. نظم و انضباط



در کلاس به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا روی تحصیلات خود متمرکز بمانند. با گذشت زمان، این به آنها می‌آموزد که چگونه به روش‌های دیگر تمرکز کنند. دانش‌آموز منضبط می‌تواند روی اهداف خود متمرکز بماند و کار خود را در اولویت قرار دهد (Arum, ۲۰۲۱). سیستم‌های مدرسه قوانینی را تعیین می‌کنند و اگر دانش‌آموزان این قوانین را زیر پا بگذارند مشمول انضباط می‌شوند. به‌عنوان مثال، این قوانین ممکن است استانداردهای مورد انتظار لباس مدرسه، وقت‌شناسی، رفتار اجتماعی و اخلاق کاری را تعریف کنند. در این میان، آموزش مؤثر مهارت‌های اجتماعی نقش قابل‌توجهی در ارتقای نظم و انضباط در مدارس ابتدایی دارد.

منابع

- ۱- اصغری پور، حمید (۱۳۸۰). کلیات راهنمایی و مشاوره، نشر تمرین، مشهد.
- ۲- فرزندپروری با تکیه بر آگاهی هیجانی، چگونه کودکی با انضباط فردی، مسئول و با مهارت اجتماعی پرورش دهیم؟ ترجمه پرویز شریف درآمدی، محمدرضا شاهی، زیبا شکورصفت. انتشارات: باور عدالت تهران، ۱۳۹۱.
- ۳- صیدی، علی نظر، موسوی، کبری و نامی پور، صغری. (۱۳۹۴). نظم و انضباط و برقراری آن در مدرسه، سومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران، تحقیقات اسلامی سروش مرتضوی، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار تهران.
- ۴- فرهنگی، عبدالحسن؛ عبدالعلیان، مریم. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر خودپنداره و حساسیت اضطرابی دانش‌آموزان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری. ناتوانی‌های یادگیری، مجله تعلیم و تربیت، شماره ۵، زمستان ۱۳۹۵، صص ۴۳-۵۸.
- ۵- Arum, R. (۲۰۲۱). Judging school discipline. In Judging School Discipline. Harvard University Press.
- ۶- Osher, D., Bear, G. G., Sprague, J. R., & Doyle, W. (۲۰۱۰). How can we improve school discipline?. Educational researcher, ۳۹(۱), ۴۸-۵۸.
- ۷- Gaustad, J. (۱۹۹۲). School discipline. Striving for excellence: The national education goals, ۲.
- ۸- Welsh, R. O., & Little, S. (۲۰۱۸). The school discipline dilemma: A comprehensive review of disparities and alternative approaches. Review of Educational Research, ۸۸(۵), ۷۵۲-۷۹۴.
- ۹- Sheldon, S. B., & Epstein, J. L. (۲۰۰۲). Improving student behavior and school discipline with family and community involvement. Education and urban society, ۳۵(۱), ۴-۲۶.
- ۱۰- Allman, K. L., & Slate, J. R. (۲۰۱۱). School discipline in public education: A brief review of current practices. International Journal of Educational Leadership Preparation, ۶(۲), n۲.
- ۱۱- González, T., Etow, A., & De La Vega, C. (۲۰۱۹). Health equity, school discipline reform, and restorative justice. The Journal of Law, Medicine & Ethics, ۴۷(۲_suppl), ۴۷-۵۰.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- ۱۲- Gagnon, J. C., Sylvester, F. J., & Marsh, K. (۲۰۲۱). Alignment of school discipline with positive behavioural interventions and supports: The case of one disadvantaged urban South African Primary School. *South African Journal of Childhood Education*, ۱۱(۱), ۱-۹.
- ۱۳- Tamagni, A. L., & Wilson, A. M. (۲۰۲۰). Discipline Policies and Preschool Special Education Students' Personal-Social Skills. *Journal of Educational Research and Practice*, ۱۰(۱), ۳.